

بسم الله الرحمن الرحيم
امریکا، ایران و سلاح هسته‌ای
(ترجمه)

خبر:

ترامپ در گفت‌وگویی با شبکه CNBC گفت: «ایران باید از تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای دست بردارد و ایالات متحده آمریکا برنامه‌ها و تحرکات ایران در رابطه با برنامه هسته‌ای‌اش را به‌دقت زیر نظر خواهد داشت.»

تبصره:

این اظهارات در زمانی مطرح می‌شود که توجه رسانه‌های جهانی بر تحولات داخلی ایران متمرکز شده است؛ تحولاتی که در آن، ناآرامی‌های اجتماعی با مطالبات مردمی برای بهبود وضعیت اقتصادی در هم آمیخته و به‌تدریج به سوی خواست تغییر نظام، به‌سمت ساختار بازتر و وابستگی کمتر به نظام مبتنی بر «ولایت فقیه» و مذهب تشیع در حاکمیت، سوق یافته است.

تظاهرات گسترده از آغاز ماه جنوری ۲۰۲۶، شهرهای بزرگ ایران را فرا گرفت؛ اعتراض‌هایی که در پی فروپاشی ارز ملی و افزایش شدید هزینه‌های زندگی شکل گرفت. دولت ایران بارها اعلام کرده است که این اعتراض‌ها، که در ابتدا به‌صورت مسالمت‌آمیز و در چارچوب مطالبات مشروع مردمی آغاز شده بود، از سوی موساد مورد سوءاستفاده قرار گرفته است.

وزیر خارجه ایران نیز اظهار داشت که شواهد و اسنادی را در اختیار آمریکا قرار داده است که نشان می‌دهد موساد در سازمان‌دهی راهپیمایی‌ها نقش داشته و آن‌ها را به خشونت، آشوب و قتل نیروهای امنیتی کشانده است. او در این زمینه گفت: «اکنون برای ترامپ روشن شده که سلاح خود را به کجا نشانه بگیرد تا به آشوب و کشتار در خیابان‌های تهران پایان دهد» که منظورش «رژیم یهود» بود.

در همین چارچوب، اظهارات ترامپ نشان داد که محور منازعه دیگر صرفاً خیابان‌های ناآرام یا اعتراض‌های داخلی نیست، بلکه تمرکز اصلی بر برنامه هسته‌ای ایران قرار دارد؛ برنامه‌ای که نقش تعیین‌کننده‌ای در ثبات و توازن قدرت در «خاورمیانه جدید» ایفا می‌کند و مستقیماً به رقابت‌های جیوپولیتیکی منطقه‌ای و جهانی مرتبط است.

به‌ویژه آن‌که آمریکا، ایران را عملاً به این منطقه پرآشوب پیوند داده و طی دهه‌های گذشته، آن را به‌گونه‌ای مؤثر در چارچوب سیاست‌های خود به‌کار گرفته است؛ چه از طریق ایجاد و حمایت دوامدار از حزب وابسته خود در لبنان و اداره آن از پشت پرده، چه از راه پشتیبانی از بشار اسد، تحکیم حاکمیت او و نابودی زیرساخت‌های مادی و اجتماعی سوریه و یا از طریق همکاری با آمریکا در عراق برای رساندن آن دولت به سطحی از ثبات که بتواند به‌عنوان دولتی نسبتاً پایدار و فعال، اما تحت سلطه آمریکا، ایفای نقش کند. همچنان ایران پس از خروج اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹، نقش مهمی در تقویت نفوذ آمریکا در این سرزمین ایفا کرده است.

از این‌رو، ایران به یکی از بازیگران اصلی خاورمیانه بدل شد و آمریکا توانست از زمان انقلاب خمینی در سال ۱۹۷۹ تاکنون، از دولت ایران به‌گونه‌ای گسترده و حساب‌شده بهره‌برداری کند. آمریکا موفق شد دولت‌های عربی حوزه خلیج، به ویژه سعودی را قانع سازد که ایران عامل ثبات منطقه خواهد بود و تهدیدی جدی برای امنیت عمومی منطقه و به‌خصوص خلیج به‌شمار نمی‌رود.

با این حال، آمریکا تاکنون نتوانسته نگرانی عمیق «رژیم یهود» را برطرف سازد و آن را قانع کند که ایران باید در روند تثبیت و مدیریت بحران‌های خاورمیانه سهیم باشد. از دیدگاه رژیم یهود، ایران نباید به هیچ‌وجه به قدرت بازدارنده یا تهاجمی‌ای دست یابد که با توان نظامی آن برابری کند یا از آن پیشی بگیرد. این مسئله برای این رژیم نه یک موضوع صرفاً استراتژیک، بلکه یک مسئله سرنوشت‌ساز است؛ زیرا از نگاه آن، موجودیتش با دستیابی هر دولت منطقه به سلاح‌هایی تا این حد قدرتمند یا بیشتر، اساساً تهدید می‌شود.

این موضوع جوهر اساسی مسئله است که تا امروز به عنوان مانعی جدی در برابر پروژه نهایی امریکا برای ایجاد خاورمیانه‌ای با ثبات باقی مانده است؛ خاورمیانه‌ای که منابع آن بدون وقفه در خدمت شریان حیاتی غرب، به‌ویژه امریکا قرار داشته باشد، مسیرهای آبی آن هرگز بر روی تجارت جهانی بسته نشود و نظام اسلام سیاسی دیگر مجال بازگشت به این منطقه را نیابد.

در این چارچوب، ثبات پایدار منطقه مستلزم وجود توازن قدرت درونی است که با تضمین‌ها و مدیریت بیرونی طراحی شده از سوی امریکا همراه باشد. تحقق چنین توازنی مستلزم آن است که هیچ دولتی در منطقه به برتری استراتژیک مطلق، از جمله برخورداری انحصاری از سلاح هسته‌ای دست نیابد. از همین رو، دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، مسئله‌ای کاملاً استراتژیک است که با پروژه آینده امریکا در تضاد قرار نمی‌گیرد؛ اما در عین حال رژیم یهود را به شدت نگران می‌سازد.

در جریان جنگ نسل‌کشی غزه، مشاهده شد که رژیم یهود چگونه تلاش نمود تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار دهد. هم‌زمان، امریکا با مهار این رژیم، خودش دست به حملات هوایی محدود زد و پس از آن اعلام کرد که توان هسته‌ای ایران را از میان برده است. با این وجود، گزارش‌های سیاسی و فنی، به‌ویژه گزارش‌های تخصصی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نشان می‌دهد که ایران هیچ‌یک از ظرفیت‌های خود در زمینه غنی‌سازی یورانیوم را از دست نداده و ذخایر پیشین نیز نابود نشده است.

در نتیجه، رژیم یهود به دنبال راه‌های دیگری برآمد تا مانع از آن شود که ایران به قدرتی هم‌تراز با آن در خاورمیانه تبدیل گردد. در این راستا، از شبکه جاسوسان و عوامل نفوذی خود در داخل ایران بهره گرفت تا راهپیمایی‌ها و اعتراض‌های مردمی را به خشونت خونین بکشاند؛ به امید آن‌که فروپاشی نظام را رقم زده و بدین وسیله، خطر ظهور یک قدرت هسته‌ای دیگر در منطقه را از میان بردارد.

از همین منظر، اظهارات ترامپ در ۲۲ جنوری ۲۰۲۶ در گفت‌وگو با CNBC، تکرار تهدیدهای پیشین او در قبال برنامه هسته‌ای ایران بود. این سخنان، در واقع مستقیماً ایران را مخاطب قرار نمی‌دهد؛ زیرا امریکا به‌خوبی از تحولات داخلی ایران آگاه است. خود ترامپ در ماه می ۲۰۱۸ اجرای توافق‌نامه نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران را متوقف ساخت؛ توافقی که در سال ۲۰۱۵ توسط گروه ۱+۵ امضا و به تأیید شورای امنیت سازمان ملل رسیده بود. با خروج امریکا از این توافق، عملاً دست ایران برای پیشبرد برنامه هسته‌ای‌اش بدون نظارت بین‌المللی باز گذاشته شد.

از این رو، این اظهارات از واقعیتی پرده برمی‌دارد که عبارت است از تداوم تلاش رژیم یهود برای جلوگیری از رسیدن ایران به سطحی از قدرت هم‌سنگ یا هم‌تراز با خود. در همین چارچوب، امریکا ممکن است بار دیگر دست به حملات پیش‌دستانه بزند و بار دیگر مدعی نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران شود؛ حملاتی که هم‌زمان می‌تواند فرصتی برای نظام حاکم در ایران فراهم آورد تا با دامن‌زدن به احساسات ملی و القای تهدید خارجی، اعتراض‌های داخلی را مهار کرده و فضای جامعه را آرام سازد.

در نهایت، تا زمانی که الله متعال اراده خویش را برای برپایی دولت خلافت بر منهج نبوت محقق نسازد، منطقه خاورمیانه، به عنوان قلب سرزمین‌های اسلامی، همچنان صحنه تاخت‌وتاز دشمنان امت اسلامی باقی خواهد ماند؛ دشمنانی که در میان فرزندان این امت کشتار و آوارگی به‌راه می‌اندازند، ثروت‌های آن را غارت می‌کنند و ارزش‌ها و باورهایش را مورد هجوم قرار می‌دهند.

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ [القصص: ۵]

ترجمه: و می‌خواهیم بر کسانی که در زمین به استضعاف و ناتوانی کشیده شده‌اند، منت بگذاریم و آنان را پیشوا قرار دهیم و آنان را وارث (زمین) بگردانیم.

نویسنده: دکتر محمد جیلانی

4 شعبان 1447 ه.ق.

24 جنوری 2026 م.

مترجم: عبدالرحمن مستنصر